

مبارزات سیاسی

روحانیت و مرجعیت

شیعه (۱)

موسی نجفی



زعمای شیعه پایه گذاران عصر تحریم (۱)

ده سند تاریخی — سیاسی علیه سلطه و نفوذ اقتصادی اجنبی

بسیاری از کسانی که کتب تاریخی موجود را مورد مطالعه قرار می دهند، تحت تأثیر این شبهه و یا سؤال واقع می شوند که در زمانی که استعمار باختری سنگرهای استقلال این کشور را یکایک فتح می نمود و دامنه نفوذ خود را در این سرزمین می گستراند چرا از طرف زعمای دینی اقدامی در جلوگیری از این بلای استقلال بر باد ده صورت نگرفته، بلکه به قول معروف تلاش و همت علماء یا صرف دعا گوئی می شده و یا صرف بحث و جدلهای فقهی، این سؤال و یا سؤالاتی نظیر آن خواه ناخواه هر چه بیشتر در آتی در بین نسل انقلابی و بخصوص طلاب و دانشجویان مطرح خواهد شد، هم اینک نیز از بحث ها و یا بحث انگیزترین مواردی است که در کلاسهای درسی تاریخ عمومی، تاریخ سیاسی، علوم سیاسی و درس جنبش ها و نهضت های صد ساله مطرح است و چه بسا در مواردی بین جناحهای رقیب فکری، دامنه این بحث به مطالب فوق العاده حساس و ریشه ای کشیده می شود. آنچه مسلم است روشنفکران طرفدار جدائی دیانت از سیاست بخاطر تحقیقات و یا نوشته های

فراوانی که در چند دهه اخیر در راستای تحریف شریعت بطور اعم و یا حذف روحانیت بطور اخص، از سیاست، بطبع رسیده، در این بحث‌ها به فرازها و یا نکاتی اشاره می‌کنند که جواب دادن به آن مستلزم بحث و بررسی‌های مستند تاریخی بسیاری است، قبل از آنکه به یکی از موارد یاد شده پرداخته آنرا جواب دهیم به عنوان پیش زمینه این بحث ذکر چند نکته ضروری و لازم به نظر می‌رسد.

□ اول: اکثر کسانی که کتب موجود تاریخی را به عنوان منبع و مأخذ بدون معارض و صد در صد درست مورد استفاده قرار داده و می‌دهند، خیلی زود به بن‌بست‌های فکری و تاریخی و شبهات سیاسی دچار شده و می‌شوند، اینان باید در نظر داشته باشند که بسیاری از کتب مورد بحث در چه زمانی نگاشته شده، نویسنده تا چه اندازه بیطرف بوده و یا اینکه به مرام حزبی و یا آئین گروهی خاصی معتقد بوده است، کتاب در زمان حاکمیت پنهانی استعمار و یا استبداد حاکم، جنبه توجیهی و تظہیر سیاسی داشته، یا اینکه پرداختن و جمع‌آوری مطالب را به دور از حُب و بغض انجام داده است؟ در نظر داشتن این زمینه‌ها در این مقولات و دهها مقوله دیگر ما را وامی‌دارد که صریحاً بگوئیم:

استناد همه جانبه و خوش‌بینانه در این مورد، هر محقق جویای حقیقت را به مسافت دوری از سرچشمه راستی و واقع‌بینی می‌کشاند، هر چند نکته مورد بحث، طرف مقابل را از سرزنش این مهم که به موارد یاد شده کمتر پرداخته باز نخواهد داشت.

□ دوم: بسیاری از شبهات مطرح شده هر چند اشاراتی از واقعیت در آن است ولی نحوه ورود و خروج در قضیه، زاویه دید نویسنده و سطح تحلیل و برداشت از واقعه، همه در راستائی است که نویسنده به خواننده القاء می‌کند، در این مورد بایستی، در بررسی و تحقیق تاریخی تحلیل حاکم بر اینگونه برداشت‌ها از وقایع مهم را کنار گذاشت و نه تنها هر واقعه‌ای را با دید مستقل و همه جانبه و دارای ریشه‌های تاریخی دراز مدت یا احیاناً ملاحظات کوتاه مدت بررسی نمائیم بلکه باید در پی یافتن اسناد نویافته تاریخی و یا متون و نوشته‌های اصیل مورخینی باشیم که به عمد از قلم افتاده است. در این فراز بجاست اشارت رود که بررسی زندگی و عملکرد روحانیت و مرجعیت شیعه از واجب‌ترین و ضروری‌ترین مقولاتی است که بایستی بطور مستقل و همه جانبه مورد بررسی و تبیین و تحلیل واقع گردد، اندیشه‌ها و سیره سیاسی، اجتماعی،

فرهنگی، اقتصادی آنان از زبان و قلم خودشان و با توجه به زمان و مکان و شرایط زندگی شان بطور هماهنگ و بدون تعصب ارزیابی شود.

□ سوم: با توجه به مطالب گفته شده، نقاط ضعف فراوانی در این جهت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد، بسیاری از ارگانها، نهادها و بنیادهای تاریخی، فرهنگی که متصدی این مهم (تاریخ‌نگاری دور از تحریف) شده‌اند نه تنها از عهده این کار بر نیامده‌اند بلکه برخی از کتب یاد شده را ترویج و تبلیغ کرده و یا اینکه تحت تأثیر مباحث و فصول تحمیلی و کاذب آن واقع شده‌اند و در اینجایی مناسبت نیست به عنوان مثال از کنگره پنجاهمین سالگرد شهادت شهید مدرس نام ببریم که هر چند در نوع خود در خور تحسین و تشویق بسیار بود و اثرات با برکت و مهمی نیز در زمینه‌های گوناگون داشته ولی این سؤال را بایستی فرا روی برگزار کنندگان آن قرار داد که علیرغم امکانات وسیع مادی، معنوی، تبلیغی و صرف میلیونها تومان پول در این زمینه چرا نتوانست در جهت حذف اکاذیب تاریخی اقدام مؤثری انجام داده و باب جدیدی در شروع تاریخ‌نگاری درست، باز نماید و حتی در مواقعی به تبلیغ و تکرار پرداخته‌های گذشته در مورد حمله به روحانیت و دسته‌بندی‌های کاذب دیروزی پرداختند.

از فرازهای انتقادی مهم دیگری که به تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب وارد است، قلمداد کردن برخی اشخاص به عنوان مبدأ ریشه‌های تاریخی و فکری نهضت‌های اسلامی است و عده‌ای در این وادی به قدری راه افراط و غلومی‌پیمایند که از بسیاری از ضعف‌های فکری و اشتباهات سیاسی چشم‌پوشی کرده و برخی از این اشخاص را بالاتر از بسیاری از مراجع دینی و زعمای طراز اول مطرح می‌کنند، در ضمن بایستی بین مصلحین و علمای برجسته شیعه که مبانی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی متخذ از اسلام را مبنای کار و اصلاح خود قرار داده، با کسانی که منطبق و اصول حکومت اروپائی را در منطق سیاسی اسلام جستجو و تطبیق می‌کردند فرق قائل شد. و باید دانست که پایه‌گذاران ریشه تاریخی ولایت فقیه منتج از فرهنگ ناب شیعه، با مصلحین روشنفکر دینی ضد استعماری در بُعد بازسازی و بازیابی هویت سیاسی اسلام، فرق می‌کند و علیرغم ارج نهادن به گروه دوم و کوششهای راستین آنان در مقابله با استعمار و استبداد، گروه اول از بار ارزشی، فرهنگی و سیاسی اصیل‌تری برای نهضت اسلامی به رهبری مرجعیت شیعه برخوردارند و تأثیر این

گروه بوده که همیشه جامعه شیعی را دستخوش تحوّل و دگرگونی می‌نموده است. باز در این مورد از بهترین ملاک‌ها و ضوابط، می‌توان از فرازهای تاریخی سخنان و پیام‌های امام امت نام برد که در مورد اشخاص و جریانات، نظرات دقیق و جالبی بیان داشته‌اند اما اگر همین دیدگاه‌ها را کسی بخواهد در مقایسه با سطح تحلیل و تبلیغ رایج بسنجد، خواهد دید نظرات و استخوان‌بندی تاریخی موجود، در جهت حاکمیت و تفکر خاصی بوده و بطور نامرئی، بسیاری از زعمای اصیل شیعه و آثار خدمات ارزنده‌شان، تحریف و قلم خورده می‌شود، به عنوان مثال به یک فراز تاریخی از سخنان امام امت در این مورد اشاره می‌نمائیم:

یک طایفه ای از علماء گذشت کردند از یک مقاماتی و متصل شدند به یک سلاطینی با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی، ترویج مذهب حق، اینها متصل شدند به یک سلاطینی و این سلاطین را وادار کردند بر مسائلی برای ترویج مسئله دیانت، مسئله تشیع، اینها آخوند درباری نبودند، این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند، سلاطین، اطرافیان این آقایان بوده‌اند اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند نباید تا یک کسی بگوشش خورد که مثلاً مجلسی (رضوان الله علیه)، محقق ثانی (رضوان الله علیه)، شیخ بهائی (رضوان الله علیه) با اینها روابط داشتند و می‌رفتند سراغ اینها و همراهی‌شان می‌کردند، خیال کند که اینها مانده بودند برای کسب عزّت، احتیاج داشتند به اینکه سلطان حسین و شاه عباس به آنها عنایتی بکنند، این حرفها نبوده در کار، اینها گذشت کردند، یک گذشت، یک مجاهدت نفسانی کردند، برای اینکه این مذهب را به وسیله آنها و بدست آنها در یک محیطی که اجازه می‌گرفتند که شش ماه دیگر اجازه بدهید ما حضرت امیر (سلام الله علیه) را سب بکنیم، رواج بدهند^۱.

.....

۱- سخنرانی امام خمینی در نجف اشرف ۱۰/۱۰/۵۶ کتاب در جستجوی راه امام از کلام امام ص ۲۰۷-۲۰۸ انتشارات امیر کبیر

□ چهارم: آیا نکات مورد بحث را برای این عنوان نمودیم که اثبات نماییم زعمای شیعه در تمامی ازمته مهم و حساس بطور همه جانبه و گسترده، وارد میدان سیاست شده و در همه مواقع نیز پیروز و سربلند بیرون آمده‌اند و یا اینکه در صدد اثبات این هستیم که بگوئیم روحانیت هیچگاه اشتباه و سستی نداشته و حوزه‌ها، هیچگاه رخوت و ضعف و رکود سیاسی از خود بروز نداده‌اند، بلاشک قصد ما چنین چیزی نبوده و نیست ولی ادعای ما در این مقالات این است که زعمای شیعه علی‌رغم دروغ پردازی‌های برخی کتب نه تنها بی تفاوت و تأیید کننده جریانات حاکم استعماری و ضد ملی نبوده‌اند، بلکه در اکثر زمینه‌ها در مقابل نفوذ استعمار ایستادگی کرده‌اند و از تمامی مدعیان سیاسی، در این وادی جلوترند اما اینکه سیره مبارزاتی آنان به چه شکل بوده و اینکه چه ضوابط و اصولی را در این مبارزه بکار می‌برده‌اند بایستی بطور مستقل و ریشه‌ای با توجه به اسناد معتبر تاریخی به بحث و نظر گذاشته شود هر چند در این قسمت نیز نمی‌توانیم با بعضی از جریانات تند همفکری داشته باشیم که عقیده دارند حتماً و ضرورتاً تمامی حوزه‌های شیعی و مراجع و علماء بایستی درس و بحث و مباحثه را کنار گذاشته و در یک حرکت تند و بدون برنامه، تمامی امکانات و نیروهای خود را به نابودی کشانده و قبل از زمینه‌سازیهای فکری و سیاسی و روانی صرفاً به مبارزه و درگیری رویاروی بپردازند. در این مورد شهید و متفکر بزرگ اسلامی آیت الله مرتضی مطهری در کتاب «نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر» بحث مقدماتی و تحلیل جالبی را مطرح کرده‌اند و اهمیت مصلحین سیاسی، مصلحین اجتماعی و صالحین که بایستی الگو و اسوه اخلاقی و فکری جامعه باشند را بطور جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند. شهید مطهری در قسمتی از کتاب یاد شده می‌نویسد:

در عصر ما نسبت به اصلاحات اجتماعی، حساسیت مثبت و مبارکی پیدا شده که قابل تقدیر است، اما این جهت احیاناً به نوعی افراط‌گرایی کشیده می‌شود که هر خدمتی جز اصلاح اجتماعی به هیچ گرفته می‌شود هر خدمتی با معیار اصلاح سنجیده می‌شود و ارزش هر شخصیت به میزان دخالتش در اصلاحات اجتماعی، معتبر شناخته می‌شود، این طرز تفکر هم به نظر می‌رسد صحیح نیست زیرا هر چند اصلاح اجتماعی جامعه خدمت است اما هر خدمتی لزوماً اصلاح

اجتماعی نیست.^۲

ارزش کار خدمتگزاران بزرگ را به جرم اینکه در اصلاحات اجتماعی نقشی نداشته‌اند نباید ندیده بگیریم، کار شیخ مرتضی انصاری یا صدرالمتهلین یک خدمت است و خدمت بسیار بزرگ هم هست، در صورتی که کار آنها اصلاح و خود آنها مصلح به شمار نمی‌روند، یا مثلاً تفسیر مجمع البیان که در حدود نه قرن پیش نوشته شده و همواره مورد استفاده صدها و هزارها نفر بوده و هست خدمت است ولی اصلاح اجتماعی شمرده نمی‌شود کاری بوده که یک عالم در انزوا انجام داده است، بسا افرادی که از راه تقوای شخصی و الگو بودن عینی خودشان بزرگترین خدمتها را کرده، در حالی که عملاً از دخالت‌های اجتماعی برکنار بوده‌اند، پس صالحان نیز مانند مصلحان ارزشمندند و خدمت کرده‌اند گو اینکه مصلح شمرده نشوند.^۳

نقد و تحلیل یک شبهه تاریخی

از مواردی که در برخی از کتب تاریخی کم و بیش مورد اشاره و بحث واقع شده است این نکته است که مرجعیت و روحانیت شیعه در مقابل هجوم اقتصادی استعمار فقط یکبار به صحنه آمد و همان یکباری هم که به مقابله پرداخت نتوانست نهضتی را ادامه و رشد بدهد بلکه متوقف گردید هر چند برخی از نویسندگان نه چندین صادق در مورد اصل رهبری قیام تنباکو بقدری چون و چرا کرده‌اند که همین یک مبارزه را هم مورد خدشه قرار داده‌اند و با طرح مسائلی نظیر اینکه قیام تنباکو قیامی مقطعی و شتابزده بوده، به تحریک روسها انجام شده، تجار، علماء را ترغیب به این عمل کرده، رهبری نهضت، مرحوم آیت الله العظمی میرزای شیرازی تحت تأثیر افکار سید جمال الدین اسدآبادی بوده، و قیام تنباکو در نهایت به مقابله با استبداد و سرنگونی شاه نیا انجامیده و... با عنوان این سؤالات قصد کم رنگ کردن ارزش تاریخی این حرکت بزرگ را داشته‌اند.

.....

۲- استاد مطهری «نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر» ص ۸ انتشارات صدرا.

۳- همان کتاب ص ۹.

در رابطه با پاسخ دادن به اینکه فکر تحریم و مبارزه اقتصادی با اجنبی بعد از پایان و لغو تحریم تنباکوبه فراموشی سپرده شده و دوباره بازار کالاهای فرنگی در این کشور بدون زحمت رونقی دوباره گرفته باید گفت این مطلب از مواردی است که بایستی با توجه به اسناد تاریخی بطور مفصل مورد بحث قرار گیرد.

شروع و تداوم عصر تحریم

آنچه با توجه به تحقیقات تاریخی و اسناد گویا و روشن معلوم می‌گردد آن است که از چند سال قبل از قیام تنباکو تا سه دهه بعد از آن زعمای شیعه با پایه گذاری عصر تحریم اقتصادی در مقابل عصر نفوذ فرنگی، عصر بی خبری، عصر زور و استبداد و عصر نابودی استقلال کشور اسلامی ایران، به شیوه و سیره ای خاص از مبارزه دست زده و در قالب عمل انقلابی تحریم یا مبارزه منفی برای سد نفوذ اقتصادی اجنبی، شروع به حرکت و اقدام کرده اند. پیروزی اولیه نهضت تنباکو و عقب نشینی استعمار و استبداد، بخوبی بذر مبارزه و درست بودن کاربرد این سلاح را در جامعه ما نشان داد و نهضتی که میرزای مجدد شیرازی (ره) براه انداخت خیلی زود در اقطار کشور رشد و گسترش یافت و هر کجا که علمای دینی می‌خواستند با سلطه نظامی، سیاسی و حتی فرهنگی استعمار، مبارزه کنند با تحریم اقتصادی به عنوان اولین گام مبارزه، تضعیف و نابودی استعمار را تسریع می‌نمودند. در مورد نقطه عطف بودن قیام تنباکو و اثر مهمی که در روحانیت بجای گذارد، می‌توان به اعتراف یکی از مغرض ترین دشمنان روحانیت و مرجعیت شیعه یعنی نویسنده «حیات یحیی» اشاره داشت که اینچنین آنرا مورد طعن و سرزنش قرار می‌دهد:

به هر صورت دخالت اضطراری میرزای شیرازی در امر سیاست اگر چه برای حفظ استقلال مملکت و نگاهداری از تجاوزات بیگانگان، بسی سودمند بود ولیکن بذری در مزرعه روحانیت پاشیده شد که معلوم نیست چه حاصلی برویاند و چه نتیجه در آینده برای سیاست و روحانیت این مملکت داشته باشد و کدام دست قوی بتواند این خلط و مزج را بر هم زده هر یک از سیاسیون و روحانیون را به ادای

در واقعه اولتیماتوم، روسها صفحاتی از شمال ایران را به اشغال درآورده و در بعضی شهرها فجایع و جنایات دردناکی مرتکب می‌شوند، در این موقع که دستگاه حاکمیت ایران نه می‌توانست و نه می‌خواست که علیه زورگویی روسها مقاومتی کند و از طرف دیگر استقلال ایران جداً به مخاطره افتاده بود مرحوم آخوند خراسانی در آخرین روزهای حیات خود با جمع آوری علماء و بزرگان عتبات برای مبارزه و اعلان جهاد قصد عزیمت ایران را نمود و شور و اشتیاق فراوانی سرتاسر ایران را فرا گرفت اما بر اثر بیماری و یا بقول بعضی در اثر ســـــم عمرش بسر رسید و دست تقدیر، کار او را نیمه تمام گذاشت. اما قبل از مرگ مرحوم آخوندبعلت شور و اشتیاقی که در اثر حرکت سیاسی مرجعیت، در ایران و عراق ایجاد شده بود، فتاوی و اعلامیه‌های جالبی در زمینه تحریم اقتصادی از سوی علماء، صفحات تاریخ را زینت بخشید که به درج چند نمونه از آنها مطلب را مستند می‌کنیم:

سند تاریخی ۱

مراجع نجف و تحریم اقتصادی

صورت دستخط تلگرافی حضرت آیه الله خراسانی و مازندران که در جواب علماء استرآباد مرقوم فرمودند:

جنابان مستظبان عمده و ارکان اسلام آقایان علماء اعلام و امراء عام و تجار فحام و سایر طبقات ملت دین پرست استرآباد (ایدهم الله بنصرالدين) تلگراف محترم رسید، هر چند به بعض ملاحظات و انتظار فراهمی تمام مقدمات، هنوز حکم به حرمت امتعه روسیه به عموم مسلمین اعلان نشده، مترصد موقع هستیم لیکن عموم غیرتمندان اسلام و پیروان حضرت خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله الطاهرین) البتہ این معنی را تا بحال فهمیدند و به رای العین می‌بینند که استعمال امتعه خارجه در بلاد اسلامیة تا به حال به چه درجه موجب ذهاب ثروت مملکت و نسخ صنایع داخله و فقر و فلاکت ملت و تسلط کفار بر مسلمین شده، حالا بذهاب بیضه اسلام و زوال اسلامیت و استقلال مملکت هم (العیاذ بالله تعالی) نوبت رسیده بقاء سالدات روس به بهانه حفظ تجارت روسیه در ایران تدریجاً به کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس و پامال شدن روضه هتوره حضرت ثامن الائمه (صلوات الله علیهم) خدای ناخواسته مؤذی خواهد بود انشاء الله تعالی عموم آقایان علماء و امراء و تجار محترم و طبقات غیرتمندان اسلام، تمام این مفاسد را نصب العین خود فرموده به همان فطرت پاک ایمانی و به شرافت طبع اسلام از این آفت خبیثه و فضول عیش که موجب ذهاب دین مبین و استیلاء کفر بر ممالک اسلامیة است، با عزمی راسخ و ثابت به کلی اغماض و در فوض به فیض این جهاد اقتصادی که بمنزله جهاد و شهادت در رکاب امام زمان (ارواحنا فداه) است مساعدت

وظیفه خود وا دارد.^۴

مرحوم میرزای شیرازی نه تنها به زعم نویسنده حیات یحیی، بذر سیاست را هر چه بیشتر در مزرعه روحانیت پاشید، بلکه خط مشی و اصول سیاسی مبارزه علماء را تا چندین دهه ترسیم نمود، از همان زمان قبل از قیام تنباکو از سوی مرحوم میرزای شیرازی هدف مبارزه، قطع ید فرهنگ بیگانه و برچیده شدن مراکز نفوذ اقتصادی آنان اعلام می‌شود، آن مرحوم طی اولین تلگراف در این مورد خطاب به ناصرالدین شاه می‌نویسد:

عرضه می‌دارد که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تردد آنها با مسلمین و اجرای عمل بانک و تنباکو راه آهن و غیرها از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مختل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است.^۵

بعد از فوت میرزای شیرازی به سال ۱۳۱۲ قمری، اصحاب و شاگردان برجسته آن مرحوم، شیوه استاد را ادامه می‌دهند و این در زمانی است که حوزه‌های علمی شیعی نیز در قبال استقلال و حفظ ارزشهای سیاسی اسلام، هر چه بیشتر خود را مسئول و مکلف می‌بینند و بلاشک استقبال سریع و تأیید و شروع نهضت عدالتخانه در سال ۲۴-۱۳۲۳ قمری از این حوزه‌ها ریشه در مطلب یاد شده دارد چرا که پیروزی قیام تنباکو هویت سیاسی و اعتماد بنفس مهمی به حوزه‌ها، اعطاء کرده بود. هر چند که عکس قضیه نیز نتیجه معکوس داشت و انحراف مشروطه و شکست آن در زمینه‌های مذهبی، حوزه‌ها را هر چند بیشتر سرخورده و از سیاست دور نمود. بر طبق آنچه پیشتر گفتیم حربه تحریم به عنوان یکی از اهرم‌های فشار علیه استعمار بکار گرفته می‌شد، چنانچه در فاصله زمانی حدود دو دهه بعد از نهضت تنباکو یعنی در واقعه اولتیماتوم روس در ۱۳۲۹ به عنوان سلاحی برنده علیه فشار به روسها، کارآئی خود را نشان می‌دهد و این خود سندی است که مدعای ما را به خوبی به اثبات می‌رساند.

.....

۴- یحیی دولت‌آبادی، «حیات یحیی» ج اول ص ۱۳۷ تهران - انتشارات فردوسی.
۵- شیخ حسن کربلانی، قرارداد رژی ۱۸۹۰ یا تاریخ انحصاری دخانیات ص ۴۰، تهران انتشارات مبارزان.

و بر هم دیگر مسابقت خواهند فرمود انشاء الله تعالى تبتکم الله تعالى جميعاً بالفول
الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة.

الاحقر محمد کاظم خراسانی
الاحقر عبد الله مازندرانی^۵

سند تاریخی ۲

تحریم اقتصادی روس و انگلیس از سوی علمای طراز اول شیراز

از شیراز به اصفهان

متحدالممالک عموم ایالات و ولایات و مراکز تلگرافی ایران خدمت ذی شرافت و
عموم علماء اعلام و حجج اسلام و تجار والا مقام و عموم طبقات ملت، پس از وصول
خبر اسلام سوز شرایط استقلال شکنانه روس که متعاقب به وارد کردن قشون تازه به
حدود شمالی مملکت مقدس ما بود و از جانب دیگر ورود عده‌ای از سواران هند مرکزی
انگلستان به بلاد جنوبی، علماء و تجار و اعیان فارس اجتماع نموده و برای حفظ
استقلال اسلامیت و ملیت و دفاع مهاجمات خانمان ویران کن دولتین متجاوزین،
تحریم امتعه و قطع روابط ملّی را یگانه علاج قومیت دیدند، لهذا عموم علماء متفقاً
حکمی در تحریم اعانت قشون مسلح دولتین به هر قسم که باشد از داد و ستد و
استخدام و مزدوری و غیره صادر شده و در صورت تخلف، لزوم تبری مسلمین از مرتکب
تصریح کردند و در خصوص امتعه دولتین، مادامیکه قشون مسلح آنها در خاک ایران
مقیم است حکم به حرمت خریدن و سفارش دادن و از جهاز به بنادر حمل کردن و از
بنادر به داخله بلاد اسلامی بار کردن به تمام شقوق به اقسام نیز نوشته شده، امیدواریم
آن آقایان نیز اضمحلال دیانت و قومیت ایرانیان را در نظر گرفته هر چه زودتر به تحریم
امتعه دولتین اقدام فرمایند و از اولیای امور مرکزی نیز درخواست شود که کمال مراقبت
را در فیصله امر با دولتین بنمایند که ذره‌ای از لوازم حفظ استقلال داخلی و خارجی
ایران فروگذاری نشود که مسلمانان ایران اعراض و نوامیس خود را اسیر کفر نخواهند و
دیانت مقدسه خود را با جان عزیز فداکاری کنند و فریاد یا مرگ با استقلال در فضای
عالم برآورند. احقر ابراهیم شریف — احقر محمد جعفر — احقر محمد رضوی — خادم
علمنا شریعت مطهره شیخ الاسلام — احقر محسن محلاتی — محمد موسوی — احقر
محبی امام جمعه — العبد علی الحسن الحسینی — حاج علی آقا رئیس العلماء —
احقر یوسف — نورالدین موسوی — علی اکبر طباطبائی — احقر جعفر موسوی^۷.

.....

۶ — مطبوعات سنه ۱۳۲۹ قمری اصفهان — ربیع الاول ۱۳۲۹.

۷ — همان مأخذ ذی الحجة سنه ۱۳۲۹ قمری.

سند تاریخی ۳

تحریم اقتصادی روس و انگلیس از سوی مجتهد بزرگ شیراز

بسم الله الرحمن الرحيم

چون دولتین انگلیس و روس از طریق تجارت بر ممالک اسلامی نفوذ یافته و به این طریق مسلمین را به خود محتاج ساخته اند، پس طریق دفاع آنها از ممالک مقدسه اسلامی که اهم فرائض است عجالتاً منحصر است به ترک این تجارت لهذا از امروز تا زمانیکه تکلیف شرعی بر خلاف مقتضی شود خرید از تجارت خانه های این دو دولت چه در داخله ایران و چه در خارجه اگر چه سفارش شده باشد و حمل نمودن آنچه خریده شده از خارج به داخله ایران و حمل نمودن اجناس مانده در بنادر ایران به ممالک ایران آنچه متعلق به خارجه است مطلقاً و آنچه متعلق به داخله است بعد از بیست روز از تاریخ این تحریر، اعظم محرمات شرعیه و به یاد دادن اسلام و خیانت بزرگ به صاحب شریعت مقدسه (صلی الله علیه و آله) و مخاصمه با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) می باشد اعادنا الله تعالی منه و کسی که مخالفت این احکام یا تقلبی در آنها نماید از تاجر و دلال و فکاری باشد، اشنع انحاء تعزیر شرعی خواهد شد و لعذاب الاخره اخزی و هم بنصرون و الله الهادی .

الاحقر ابراهیم الشریف

۱۹ ذی حجه الحرام ۱۳۲۹ قمری

سند تاریخی ۴

اعلامیه تحریمه زعیم حوزه و علمای بزرگ اصفهان

معاهده نامه علماء اعلام (با ارشاد عامه در حفظ اسلام)

عموم مسلمانان ایرانی و کافه برادران ایمانی را با کمال اتحاد و اتفاق و ارشاد اعلام می نمایم، نظر به مصالح حفظ اسلام، عموم علماء اعلام اصفهان عازم شده ایم و بر خودمان فرض ذمی اسلامیت نموده ایم که به کلی داد و ستد و معامله با شعبه بانک استقراض روس که به اصفهان آمده است موقوف و متروک داریم. صلاح مسلمین را هم نمی دانیم که با او معامله کنند در باب استعمال قند و شکر و جای روس هم، عموم علماء اعلام ترک نموده اند و در سایر امتعه روسیه در موقع خود هم اعلام خواهد شد. تاجر محترم اصفهان هم در این وظایف حقه اسلامی کمال مساعدت را با علماء اعلام دارند و تلگرافات منع حمل قند و شکر و قماش روسی به نقاط لازمه کرده اند. عموم مسلمین بدانند که ما دام که قشون روس در بلاد و سرحدات ایران هستند با این عزم

بقیه در صفحه ۲۱۵

۸- همان مأخذ یاد شده، ذی الحجه ۱۳۲۹ قمری.

برای ولی امر، تلاش جهت الحاق افراد عقب مانده به سطح بالاتری است به گونه ای که یک سطح عمومی مرفه برای زندگی همه، فراهم آید در این روایت چنین آمده است:

وَمَا أَخَذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَصَّهْ عَلَى عِيَالِهِ
حَتَّى يُلِحِقَهُمُ بِالتَّاسِ.^{۲۴}

آن مقداری را که از زکات گرفته است برعائله اش پخش کند (و نیازمندیهای آنان را تهیه کند) تا آنها از نظر رفاه در سطح دیگر مردم قرار گیرند.

از این تعبیر استفاده می شود که بالا رفتن سطح زندگی افراد و عدم

وجود اختلاف فاحش طبقاتی از جمله اهداف وجوب زکات و مسئولیتهای حاکم اسلامی می باشد.

اسلام برای از بین بردن فقر و بالا بردن سطح معیشت و زندگی ضعیفاء، محرومان و افراد کم درآمد جامعه، اقدام به برقراری تأمین اجتماعی نموده است، در مبحث بعد به اصل تأمین اجتماعی، اساس نظری آن، افراد زیر پوشش، عهده دار مسئولیت انجام آن و منافع تأمین اجتماعی می پردازیم.

۲۴- وسائل الشیعة ج ۶ ص ۱۵۹ ح ۴

باقی هستیم (بلغنا الله و اتاكم بنصرة الدين) مدیر اتحاد علماء، حاجی آقا این تکلیف را که علماء اعلام حصون اسلام و جمعی از متدینین نجار مقرر فرمودند مقرون بصلاح است حقیر هم معمول داشته ام.

۶ ربیع الآخر ۱۳۲۹ محمد تقی نجفی^۱

سند تاریخی ۵

صورت تعهد نامه علماء اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

به تاریخ غره شهر ربیع المولود ۱۳۲۹ در جلسه مقرر اتحادیه علماء، اکثریت بل آستان آراء علماء اعلام و حصون اسلام بر این گردید که نظر به مصالح اسلامی ماها به هیچ وجه من الوجوه طرف معامله با بانک روس نمی شویم و عجالاً قند و چای روس را به کلی تارک هستیم و شخصاً استعمال نخواهیم کرد و صلاح عموم مسلمانان را همین طور می دانیم و با هر کسی مخالفت نماید معاشرت نمی نمائیم.

الاحقر عبدالحسین المدرس

محل امهار حجج اسلام ایدالله بجاانهم^{۱۱}

۹- همان مأخذ یاد شده، ربیع الآخر ۱۳۲۹ قمری اصفهان.

۱۰- همان مأخذ یاد شده، ربیع الاول سنه ۱۳۲۹ قمری.